

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

دعا لغتاً به معنی خواندن، صدا زدن است. این در لغت اینطور بوده. کما اینکه مثلاً در قرآن می‌فرماید که خواندن رسول، پیغمبر مثل سایرین نیست که سایرین را صدا می‌زدید مثلاً طبق عرف محل، عمرو یا زید را از راه دور هم صدا می‌زنید. دستور می‌فرماید که نسبت به پیغمبر، خواندن اینطور نیست.

بعد در عرف شرعی، دعا عبارت از آن است که از خداوند چیزی بخواهیم، درخواست کنیم و بطور اعم آن است که یک فرد پایین دست، فرودست از زبردست، فرادست چیزی یا درخواستی بکند که این معلوم است بشر در مقابل خداوند، مخلوق در مقابل خداوند کوچک است.

در قرآن فراوان از دعا اسم برده شده و حتی دعا را در ردیف بهترین عبادات قرار داده‌اند. برای چه؟ برای اینکه دعا اظهار عجز و اظهار نیاز است. آیه‌ی قرآن می‌گوید: أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (سوره فاطر، آیه ۱۵)، شماها در مقابل خداوند فقیر هستید، خداوند غنی است و همه چیز را دارد. اعلام اعتقاد به این مطلب است. اعلام عجز کامل خودش است. به این جهت بعضی‌ها فرموده‌اند در اخبار هم هست که به قول مشهور، حتی نخود و لویبای منزلتان را از خدا بخواهید که در عبارت قرآن دارد که نمک منزل را، چون نمک مثل اینکه ساده‌ترین نیاز منزل بوده، از خداوند بخواهید.

البته خداوند گاهی بدون دعا، بدون درخواست چیزی، لطف می‌کند. در مورد بشر بطور کلی فرموده است که: وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ (سوره ابراهیم، آیه ۳۴) هر چه خواستید به شما دادیم، هر چه سؤال کردید. این با آنچه ما می‌بینیم ظاهراً منافات دارد. ما خیلی چیزها از خدا خواستیم خدا نداده ولی این آیه را اینطور تفسیر می‌کنند که آنچه لازمی وجود شماست به شما دادیم، برای اینکه ادامه‌ی حیات بدهید نیاز به آب دارید، آب فراوان به شما دادیم، نیاز به غذا دارید، زمین را در اختیارتان گذاشتیم. نیاز به هوا دارید، هوا را در اختیارتان فراوان گذاشتیم. نیاز به مربی و هادی دارید در هر زمان برای شما رهبر و هادی فرستادیم. إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (سوره رعد، آیه ۷) خطاب به پیغمبر خداوند می‌فرماید. به نظر می‌رسد بعد از ناراحتی‌های پیغمبر از اینکه هدایت نمی‌شدند، فرمود تو انذار بکن، هر قومی هادی خودش را دارد؛ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ. این یک جاست که خداوند بدون دعا آفریده، این کمال لطف و محبت خداوند است. برای اینکه وقتی مخلوقی آفرید باید احتیاجات او را در دسترس او بگذارد. در طریق زندگی معمولی، وقتی خادمی دارید، مستخدمی دارید که باید به شهرستان‌ها برود، باید این طرف، آن طرف برود کاری بکند، وسایل راحتی و سفرش را در اختیارش می‌گذارید. می‌فرماید: مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ (سوره طه، آیه ۵۵) خداوند هم ما را خلق کرده و در این سفری که

داریم فرستاده و دوباره پیش خودش برمی گردیم. وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ (سوره طه، آیه ۵۵)، برای این سفر، زاد و توشه در اختیار ما گذاشته. انبار رحمت خداوند پر است. از این انبار بردارید. اگر هدایت برداشتید نجات پیدا کردید، اگر غیر هدایت برداشتید، نه!

این اجابت خاص جزء همان لطفی است که خداوند بر مخلوق خودش کرده است. در نوع همین یا بلکه اندکی متفاوت، خواسته‌هایی است که پیغمبران، اولیاء الله که خداوند به آنها مأموریتی داده، لوازم آن مأموریت را در اختیارشان گذاشته است. البته این هم بستگی به درجه و مرتبه‌ی آن شخص دارد. موسی عَلَيْهِ السَّلَام برای رواج کارش عرض کرد خداوند: قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي وَاجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِّنْ أَهْلِ (سوره طه، آیات ۲۹-۲۵) خدایا! سینه‌ی مرا فراخ کن، کار مرا آسان کن، گره از زبان من بگشا تا حرف مرا بفهمند و برای من وزیر قرار بده، برادرم هارون را وزیر قرار بده. موسی عَلَيْهِ السَّلَام اینها را عرض کرد خداوند همه را پذیرفت.

مثل اینکه شما مأموری به جایی، به مأموریتی می فرستید، آن مأمور گزارش می دهد که من برای انجام کار به این چیزها نیاز دارم. آن آمر، کارفرما آنها را در اختیارش می گذارد. خداوند هم ندای بنده‌ی خودش، بنده‌ی مقرب خودش را شنید، هر چه خواست به او داد. اما پیغمبر ما هیچی نگفت ظاهراً بعد از این آیه معلوم می شود که می فرماید: أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ الَّذِي أَنقَضَ ظَهْرَكَ (سوره شرح، آیات ۳-۱) آیا ما شرح صدر به تو ندادیم (که معلوم است خداوند قبلاً شرح صدر داده است) و آن باری که بر پشت تو سنگینی می کرد، برداشتیم. موسی هم عرض کرد: وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَخَدَّاهُ لِي خَدَّاهُ (سوره شرح، آیات ۳-۱) خداوند هم کارش را آسان کرد.

اینجا خداوند گفت که این کارها را برایت کردیم، همینطور به دنباله اش بدون اینکه به زبان چیزی بخواهد، خداوند همه‌ی وسایل را در اختیارش گذاشت البته در بین بندگان خداوند درجات پایین تر اولیاء الله هم هر چه می خواهند، از خداوند می خواهند ولی به قول مثنوی مولوی:

قوم دیگر می شناسم ز اولیاء که دهانشان بسته باشد از دعا

خامشند و نعره‌ی تکرارشان می رود تا عرش و تخت یارشان

اینها را هم خداوند بدون اینکه به زبان چیزی بیاورند خودش دلشان را می داند. نمونه‌ی اینها در پیغمبران، ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام است. وقتی ظاهراً دیگر کار تمام بود حکم قطعی نمرود صادر شده بود، او را در فلاخنی گذاشتند، چیزی که در آتش پرتاب کنند. فرشته‌ای آمد، حالا جبرئیل بود یا هر که فرق نمی کند. بندگان خدا همه شان بنده‌ی خدا هستند. آمد گفت که من در خدمت شما هستم. می خواهی تو را نجات بدهم و از اینجا ببرم؟ چه نیازی داری؟ حضرت فرمود: نیاز؟ سر تا پا نیازم، اما نه به تو، به ارباب تو. جبرئیل گفت: پس چرا نمی گویی؟ گفت: چه بگویم؟ نیازم به کسی است که من را از خودم بهتر می بیند. همه چیز را می بیند، هر چه مصلحتش باشد خواهد کرد. البته این مقامی است که ما هنوز زود است در موردش فکر کنیم، چه برسد به اینکه اینطوری باشیم ولی بدانیم چنین مقامی هست.

می فرمایند وقتی که می خواهید دعا کنید، هر دعایی دارید، هر خواسته‌ای دارید، فکر کنید، همان آداب دعا را رعایت کنید. آداب دعا نه اینکه خداوند مثل بشر می گوید چرا بی ادب آمدی؟

خداوند همه چیز را می‌داند ولی تو آداب دعا را رعایت کن. برای خودت رعایت کن یعنی چون باید با خلوص نیت باشی، آداب دعا این است که در آنوقت از همه چیز چشم‌پوشی. چون باید تمام حواس متوجه آن خواسته باشد. باید با حواس جمع باشی. دیگر فکر این طرف، آن طرف را نکنی و مشغول کار نباشی؛ یک دعای الکی نکنی، آن دعا نیست. بعد از اینکه آداب را رعایت کردی، نگاه کن از چه کسی داری چیزی می‌خواهی؟ از کسی می‌خواهی که درون تو را از خودت بهتر می‌شناسد. به قول دنیای امروز که می‌گویند: خودآگاه و ناخودآگاه و بعضی جلوتر رفته‌اند و گفته‌اند: خودآگاه، ناخودآگاه، نیمه‌آگاه. حالا به هر جهت، این بحث روانشناسی را نمی‌خواهیم اینجا بگوییم. یک چیزهایی در عمق ضمیرت هست که خودت خبر نداری ولی خداوند بر آنها مسلط است.

بعد ببین چطوری می‌خواهی؟ چطوری می‌خواهی یعنی با چه عبارتی؟ نه با زبان با چه دلی؟ بعضی‌ها می‌گویند ما هر چه می‌خواهیم، هر چه دعا می‌کنیم قبول نمی‌شود. من پیش مردم خجالت زده می‌شوم. مگر خداوند تعهد کرده هر چه تو بخواهی به تو بدهد؟ خداوند خالق ماست، ما بنده‌ی او هستیم. نه العیاذ بالله خدا بنده‌ی ما، که ما هر چه بخواهیم خدا مجبور باشد بدهد. نخیر! این توقع که هر چه بخواهیم خداوند می‌دهد، نه، اینطور نیست.

عظمت خداوند و بزرگی او را بفهم و در نظر بیاور یعنی وقتی بزرگی و عظمت او را در نظر بیاوری، کوچکی خودت را در نظر می‌آوری و هر چه از پایین‌تر از کوچکی فریاد بزنی (فریاد دل) چیزی بخواهی، امید اجابتش بهتر و بیشتر است. بعد هم ببین که چه می‌خواهی؟ آن چیزی که می‌خواهی حق است یا باطل است، چیست؟

کسی دعا می‌کند آنچه که نفرین می‌گویند، برای دیگران بد می‌خواهد، اگر هم خداوند قبول کند، بدش به خود این شخص برمی‌گردد، در تاریخ می‌نویسند، در *تاسخ‌التواریخ* هست که در زمان فتح‌علی‌شاه که با روس‌ها جنگ می‌کردند، آنها یک سرداری داشتند، اینها می‌نویسند «اشپختور» که قاعدتاً همان «انسپکتور» باشد. اشپختور خیلی از مسلمین را کشته بود و خیلی فتح می‌کرد. به فتح‌علی‌شاه گفتند که به شیخ محمد اخباری که مرد زاهد و گوشه‌گیری است، بگو دعایی بکند که این از بین برود، خیلی مسلمین را می‌کشد. مثل اینکه اهل نیشابور هم بوده است. فتح‌علی‌شاه فرستاد، او آمد و این حرف را گفت.

آن شخص گفت: نه من نمی‌کنم، هر چه اصرار کرد، جلسات متعددی اصرار کرد، بالاخره گزارشات جبهه را گفتند که این مسلمین را خیلی می‌کشد، تو یک نفر که از خدا بخواهی و دعا کنی این کشته بشود، مسلمین را نجات می‌دهی. این را که گفتند، شل شد و قبول کرد. گفت ولی خود من هم سر این قضیه خواهم رفت، باید بروم.

همین است که گفتم به خود شخص برمی‌گردد، همین کار را کرد، حالا مفصل است، بقیه‌اش زیاد مهم نیست. بعد از چهل روز، آن شخص کشته شد، او را کشتند ولی خود این شیخ محمد اخباری به عتبات رفت، اصلاً از آنجا، از فتح‌علی‌شاه، فرار کرد به عتبات رفت و در فتنه‌ی وهابی‌ها کشته شد. این است که انسان باید بداند چه می‌خواهد؟ خداوند می‌فرماید که: *وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا* (سوره اسراء، آیه ۱۱) می‌فرماید که انسان یک چیز شری را می‌خواهد با همان

سماجتی که یک خیری را می‌خواهد و نمی‌داند که این شَرش است. وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ (سوره بقره، آیه ۲۱۶) انسان عجول است و عجله هم دارد که این کار را بکند، نمی‌داند که این کار به ضررش است ولی خداوند از راه لطف و رحمتی که دارد آن را برآورده نمی‌کند. این است که در شرح ادعیه هم نوشته‌اند که هر دعایی که شرایط داشت و به اجابت نرسید، آن است که مصلحت آن شخص در آن نبوده است. خداوند از راه لطفی که دارد، نفهمی او را جبران می‌کند یعنی آن خواسته را عملی نمی‌کند.

بسیار دیده شده که هر کدام مان در زندگی خودمان نگاه کنیم، یک اموری را دیده‌ایم که ما بد می‌دانستیم، خوب درآمده است. یک اموری که مصرّانه به دنبالش بودیم و از خدا می‌خواستیم انجام بشود، انجام نشده، ناراحت شدیم، بعداً معلوم شده که همین کار، خیرش است. بنابراین هر چه از خداوند صادر می‌شود خیر است.

در آن آیه ی: قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (سوره آل عمران، آیه ۲۶) می‌فرماید: بِيَدِكَ الْخَيْرُ، خیر به دست توست. إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، به هر چیز توانایی. پس آنچه واقع می‌شود خیر است، ما ممکن است خیرش را نفهمیم.

این است که در واقع ضمن هر دعا، از خدا بخواهیم که خدایا این دعای ما اگر خیر است که اجابت کن و به هر جهت چه اجابت فرمودی، چه نفرمودی، به مشیّت تو، اراده‌ی تو، تسلیم هستم و می‌دانیم که مسلماً خیر همان است. خدایا، یک کاری کن که ما از آن اول بفهمیم خیر است. چون اول نمی‌فهمیم که این طریق خیر است، ناراحت می‌شویم، بعد می‌فهمیم. خدایا، توفیق بده که ما از همان اول بفهمیم آنچه که واقع شده خیر است، تا آرامشی پیدا کنیم. ان شاء الله. (برگرفته از شرح فرمایشات حضرت صادق ع، تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، شب جمعه ۱۳۸۰/۱۱/۱۱)

بیانات حضرت آقاسی حاج دکتر نورعلی تابنده (محبوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریفه پند صلح / شرح فرمایشات حضرت سجاد ع (شرح رساله حقوق) / شرح فرمایشات حضرت صادق ع (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) / جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس قهرمی، امر به معروف و نهی از منکر، مصافحه، عشق، حجاب، اتحاد و همدلی و خطبه سلسله الاولیاء) / جزوات رفع شبهات با کزیده‌هایی از بیانات / جزوات پرسش و پاسخ با کزیده‌هایی از بیانات / مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها) / مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت کزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال @jozveh121 در برنامه‌ی تلگرام پیوندید.